

به نام خدا

با سلام خدمت آقای شهبازی عزیز و همراهان گنج حضور

قدرت لحظه

ما شادتریم یا تو، ای جان؟

-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۱۹۲۲

ما مست‌تریم یا پیاله؟

-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۱۹۲۲

در لحظه بودن یعنی وصل شدن به شادی بی‌سبب، فارغ ز چون و چندی و خوب و بد کردن‌ها. در لحظه بودن یعنی ارتعاش خرد زندگی و دریافت پیام‌های زندگی در سکوت ذهن، وصل شدن به همه‌ی صفات پروردگار مثل دانایی، بینایی، شنوایی، زیبایی، نیکویی.

**هست** هُشیاری ز یادِ مامَسی

ماضی و مُستَقْبَلتِ پرده‌ی خدا

-مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۲۲۰۱

آتش آندر زن به هردو تا به کی

پُرگره باشی ازین هردو چو نی؟

مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۲۲۰۲

در لحظه بودن یعنی رها شدن از گذشته و آینده، رها شدن از تند تند فکر کردن، آتش زدن به گره‌های گذشته و آینده که گلوی ما را گرفته و سخت فشار می‌دهد، رهایی از تعارضات و ناهماهنگی‌های زندگی. رهایی از سبب‌سازی‌ها، مسئله‌سازی‌ها، دشمن‌سازی‌ها، کارافزایی‌ها، مقاومت و ستیزه.

در لحظه بودن یعنی چهار بُعد وجودمان از شیر خدا تغذیه می‌کند. یعنی امنیت الهی: در آمان بودن از بانگ دیوان و آدم خواران. یعنی هدایت الهی: که ناگهان همانند ماهی عاقل از آبگیر کوچک ذهن، بدون ترس و واهمه حرکت می‌کنیم و با اتصال به عشق وارد بحر یکتایی می‌شویم. یعنی وصل شدن به عقل الهی که از آسیب‌های عقل من ذهنی ما را محافظت می‌کند. یعنی وصل شدن به قدرت زندگی که باعث می‌شود در راه زنده شدن به حضور از بانگ غولان تترسیم.

هر لحظه و هر ساعت یک شیوه‌ی نو آرد

شیرین‌تر و نادرتر زان شیوه‌ی پیشینش

-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۱۲۲۷

در لحظه بودن یعنی ارتعاش خلاقیت و آفریدگاری زندگی، رها شدن از فکرها و باورها و اعتقادات هزاران سال قبل که تاکنون ما را مُنجمد و بی حرکت کرده. در اثر فعال شدن خلاقیت در وجود ما، دائماً فکری جدید می‌آید و فکر لحظه قبلش را می‌خورد. زندگی در ما به حرکت در می‌آید، رها شدن از راکد بودن و خمودگی.

صورتگر نقّاشم هر لحظه بُتی سازم

وان گه همه بُت‌ها را در پیش تو بگدازم

-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۱۴۶۲

صد نقش برانگیزم با روح در آمیزم

چون نقش تو را بینم در آتشش آندازم

-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۱۴۶۲

در لحظه بودن یعنی آتش زدن به همه‌ی همانیدگی، عبور کردن از عقاید و باورها و نقش‌هایی همانند پدر، مادر، فرزند، برادر و غیره و سوزاندن همه‌ی آنها در پیشگاه پروردگار. و این یعنی قیامت، یعنی وصل شدن به عشق ابدی. لحظه یعنی آرامش و نوشیدن شراب زندگی. لحظه یعنی تجربه کردن نیاز واقعی که زنده شدن به حضور است. در لحظه بودن یعنی تجربه دیدن طلوع صبح صادق در وجودمان. یعنی درخشیدن آفتاب درونمان، درخشان شدن ماه درونمان که همان خداییت ماست. لحظه یعنی به راحتی روز روشن دیدن، یعنی احوالپرسی خداوند از ما و ناگهان از خود بی خود شدن. پس با خودمان عهد کنیم که با جدیّت فراوان در لحظه بمانیم و آتش به گره‌های گذشته و آینده بزنیم و این دو قدم راهِ وصال به زندگی بر خودمان طولانی نکنیم. از شیرینی‌های در لحظه بودن کاممان شیرین شود و در نهایت عشق ابدی را چشیدن.

با تشکر از آقای شهبازی بی نظیر و همه‌ی دست اندرکاران

-لیلا از شیراز